

حکم عمره تمتع در فرض خروج از مکه قبل از انجام حج

حسام‌الدین ربانی^۱

چکیده

نوشتار پیش‌رو درصدد بررسی حکم عمره تمتع، در فرضی است که متمتع قبل از انجام حج تمتع از مکه خارج شود. در این صورت، اگر متمتع در همان ماه قمری انجام عمره به مکه بازگردد به اتفاق فقیهان امامیه، عمره تمتع او صحیح است؛ البته برخی از فقیهان معاصر، معتقدند عمره تمتع فردی که بدون عذر از مکه خارج شده باشد، باطل است. اما حکم عمره تمتع در صورت بازگشت در غیر ماه انجام عمره، مورد اختلاف است. گرچه مشهور فقها در این فرض، قائل به لزوم تجدید عمره، به نیت تمتع شده‌اند؛ اما برخی فقیهان معاصر، احرام و انجام عمره جهت ورود مجدد را لازم ندانسته یا در صورتی که مکلف از میقات بگذرد لازم دانسته‌اند. برخی نیز لزوم تجدید عمره را گذشت سنی روز از انجام عمره اول قرار داده و با فرض ورود به مکه در غیر ماه خروج و گذشت کمتر از یک ماه، انجام دوباره عمره تمتع را از باب احتیاط، لازم شمرده‌اند.

نتایج حاصل از این تحقیق که به صورت کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و با تحلیل ادله صورت گرفته، حاکی از تأثیرپذیری مسئله مورد گفت‌وگو از حکم خروج از مکه، بعد از عمره تمتع و ملاک در جواز ورود به مکه بدون احرام است و در هر صورت به نظر می‌رسد قول به لزوم تجدید عمره به نیت تمتع به دلیل ورود به مکه در غیر ماه قمری، انجام عمره به صواب نزدیک‌تر است. کلیدواژه‌ها: تمتع، خروج از مکه، عمره، ماه قمری و نهی ارشادی.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق دانشکده الهیات دانشگاه قرآن و حدیث (hesamrabbani921@yahoo.com)

حج تمتع از یک جهت با دو قسم دیگر حج یعنی، «افراد» و «قران» تفاوت دارد و آن عبارت است از اینکه متمتع باید قبل از انجام حج، عمره تمتع را در ماه‌های حج همان سال به‌جا آورد. با توجه به اینکه بین عمره و حج تمتع می‌تواند زمانی در حدود یک یا دو ماه یا کمی کمتر و بیشتر فاصله باشد، گاهی ممکن است که مکلف بخواهد بعد از ادای عمره تمتع از مکه خارج شود. ملاحظه روایات حج، حاکی از این است که شارع، عمره‌گزار را از خروج از مکه پس از انجام عمره تمتع منع نموده است. (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۴۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۵۴) از طرف دیگر، ممکن است به ضرورت یا حتی بدون دلیل، متمتع پس از انجام عمره از شهر مکه بیرون رود. در این صورت بازگشت او به شهر مکه می‌تواند در همان ماه قمری که خارج شده و یا در ماه بعد از آن باشد. همچنین به اتفاق همه فقیهان امامیه هر کس که بخواهد به شهر مکه داخل شود باید با حالت احرام وارد گردد؛ مگر اینکه از زمان احلال او از احرام به جهت ورود به مکه، یک ماه نگذشته باشد که در این صورت در ورود مجدد نیازمند به احرام نیست. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۸۲؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۳۸۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵، ص ۱۲۳؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۳۲۶)

با توجه به آنچه بیان شد پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

۱. خروج از مکه به خاطر ضرورت و نیاز یا بدون آن، چه تأثیری بر حکم عمره‌ای که با نیت تمتع انجام گرفته، دارد؟
۲. آیا عمره انجام گرفته صحیح است یا مکلف باید عمره تمتع خود را تجدید نماید؟
۳. ملاک در لزوم تجدید عمره چیست؟ خروج از مکه و بازگشت به آن پس از یک ماه یا تغییر ماه قمری ولو از زمان انجام عمره یک ماه نگذشته باشد؟

قبل از پاسخ به این پرسش‌ها لازم است نظرات فقها در مورد خروج از مکه بعد از عمره تمتع و نیز حکم عمره مزبور در فرض‌های مختلف بررسی شود.

۱. اقوال فقها

الف) حکم خروج از مکه بعد از ادای عمره تمتع

یک - عدم جواز خروج: این قول به مشهور فقیهان امامیه نسبت داده شده است. (انتساب حکم مزبور به مشهور فقها در کتاب‌های ذیل قابل مشاهده است: علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۱۹۹؛ آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۳۵۴؛ حسینی شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۲۰، ص ۲۲. همچنین قائلین به عدم جواز از این قرارند: ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۱۷۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۳۸؛ ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۰۰؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۶۲؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۳۵؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۱۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۳۸؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۱۷۴؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۶۹۸)

دو - جواز خروج همراه با کراهت: (ر.ک: طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۶۳؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۸۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۹۹؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۹۹؛ همسو، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۵۱؛ همسو، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۴۴۷؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۲۵؛ انصاری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۴۵؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۳؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۲، ص ۳۸)

البته برخی معتقدند در صورتی که مکلف بداند در فرض خروج از مکه، حج از او فوت نمی‌شود، خروج از مکه کراهت ندارد. (فیاض، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۱۲۸؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۶۱۷)

سه - وجوب طریقی بقاء در مکه بعد از اتمام عمره تمتع: (سبزواری، عبد الاعلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۳۶۴ و ۳۶۸) از این رو خروج از مکه بدون احرام و با شرط وثوق و اطمینان به امکان بازگشت به مکه، جایز است. (فیاض، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۱۲۸)

چهار- برخی نیز برآنند که نهی از خروج، ارشادی است. (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۶۱۸)

در عصر حاضر نیز مراجع عظام تقلید اختلاف نظر دارند. برخی معتقدند خروج از مکه جز در صورت نیاز جایز نیست؛ برخی احتیاط را در عدم خروج دانسته و برخی دیگر جواز خروج را به اطمینان از امکان بازگشت به مکه برای انجام حج تمتع منوط کرده‌اند. (مظاهری، ۱۳۹۷ق، ص ۳۴۷-۳۴۸)

ب) حکم عمره تمتع در فرض خروج

یک - به طور مطلق، یا در صورت عدم نیاز به خروج از مکه عمره تمتع باطل است. (فیاض، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۱۲۹؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۰۱)
دو- تبدیل به عمره مفرده و لزوم تجدید عمره تمتع در فرض بازگشت در غیر ماه قمری انجام عمره (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۶۳؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۸۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۹۹؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۹۹؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۲۵؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۳؛ مظاهری، ۱۳۹۷ق، ص ۳۶۴)

سه - تبدیل به عمره مفرده و لزوم تجدید عمره تمتع در فرض بازگشت در ماه قمری بعد و عبور از میقات، (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۴)
چهار- صحت عمره تمتع و عدم لزوم تجدید آن. (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۶۱۷؛ مظاهری، ۱۳۹۷ق، ص ۳۶۵)

۲. مستند اقوال

از آنجا که تنها مستند اقوال فوق، روایات مربوط به خروج از مکه پس از انجام عمره تمتع است، به بررسی این روایات می‌پردازیم:

الف) روایت صحیح حماد بن عیسی از امام صادق علیه السلام

حضرت فرمودند: «هرکس برای انجام عمره تمتع وارد مکه شود، نمی‌تواند

از مکه خارج شود تا حجش را انجام دهد و اگر لازم شد به عسفان یا طائف یا ذات عرق برود، با احرام حج برود و با لبیک حج وارد شود و پیوسته بر احرامش باقی است و اگر به مکه بازگشت، در حال احرام بازگردد و به خانه کعبه برای طواف نزدیک نشود تا اینکه با سایر حجاج و با همان احرام به منا برود و اگر خواست می‌تواند به مکه نیامده، به منا رود.» از امام ع پرسیدم: اگر نداند و به مدینه یا به سمتی بدون احرام رفته، سپس در اوایل حج در ماه‌های حج برگردد و بخواهد حج گزارد آیا مُحْرَم وارد شود یا بدون احرام؟ فرمودند: «اگر در همان ماه برمی‌گردد بدون احرام داخل شود و اگر در غیر آن ماه به مکه وارد می‌شود، با حالت احرام داخل شود.» گفتم: کدام یک از دو احرام، احرام عمره تمتع محسوب می‌شود؟ احرام اول یا دوم؟ فرمودند: «احرام اخیر و همان است که عمره تمتع او محسوب می‌شود و همان است که مکلف به سبب انجام آن محبوس است تا حج را انجام دهد.» گفتم: چه فرقی است بین عمره مفرده و تمتع، هرگاه مکلف در ماه‌های حج به مکه وارد شود؟ فرمودند: «زمانی که مکلف برای عمره مفرده محرم شده و از احرام بیرون می‌آید ریختن خونی بر عهده‌اش نیست و به سبب انجام آن تا انجام حج، محبوس نمی‌شود؛ زیرا نیت انجام حج نداشته است.»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص: ۴۴۲)

از این روایت چند نکته قابل برداشت است:

یک - در نگاه اول، عبارت «لم یکن له ان یخرج حتی یقضی الحج» بر نهی از

۱. علی بن ابراهیم عن ابيه عن حماد بن عيسى عن أبي عبد الله ع قال: «من دخل مكة متمتعاً في أشهر الحج لم يكن له أن يخرج حتى يقضي الحج فإن عرّضت له حاجة إلى عسفان أو إلى الطائف أو إلى ذات عرق خرج محرماً ودخل ملبياً بالحج، فلا يزال على إحرامه فإن رجع إلى مكة رجع محرماً ولم يقرب البيت حتى يخرج مع الناس إلى منى على إحرامه وإن شاء كان وجهه ذلك إلى منى» قلت: فإن جهل و خرج إلى المدينة أو إلى نحوها بغير إحرام ثم رجع في إبان الحج في أشهر الحج يريد الحج أيدخلها محرماً أو بغير إحرام؟ فقال: «إن رجع في شهره دخل بغير إحرام وإن دخل في غير الشهر دخل محرماً»، قلت: فأبي الإحرامين والمتعتين منعة؟ الأولى أو الأخيرة؟ قال: «الأخيرة وهي عمرته وهي المختبئ بها التي وصلت بحججه» قلت: فما فرق بين المفردة وبين عمره المتعة إذا دخل في أشهر الحج؟ قال: «أحرم بالعمرة وهو بنوي العمرة ثم أحل منها ولم يكن عليه دم ولم يكن محتسباً بها لأنه لا يكون بنوي الحج»

خروج از مکه و حرمت تکلیفی خروج پس از انجام عمره تمتع دلالت دارد؛ اما با نگاه دقیق به مضمون روایت و آنچه مورد سؤال راوی قرار گرفته می‌توان گفت نهی در فقره مزبور، در ارشادی بودن ظهور دارد و هادی به شرطیت اتصال این عمره به حج در صحت حج تمتع و تمتع بودن عمره انجام گرفته است؛ نظیر نهی در روایت مشهور نبوی «لا تبع ما لیس عندک» که ارشاد به شرطیت ملکیت بایع نسبت به مبیع در صحت بیع است. به عبارت دیگر، چنین به نظر می‌رسد که امام علیه السلام در صدد بیان حکم تکلیفی خروج از مکه نیستند، بلکه نهی برای بیان این مطلب است که شرط تمتع محسوب شدن عمره‌ای که در ماه حج انجام گرفته و صحت حج تمتع بعد از آن این است که این عمره به حج تمتع متصل شود و مکلف با خروج از مکه و ورود در غیر ماهی که عمره تمتع را انجام داده، بین عمره و حج تمتع فاصله نیندازد.

شاهد بر اینکه امام علیه السلام در صدد بیان حرمت خروج نبوده‌اند این است که راوی نیز بیان شرطیت را از کلام امام علیه السلام فهمیده و لذا سؤال او درباره لزوم و عدم لزوم تکرار عمره، نسبت به فردی است که از روی جهل، بدون احرام حج از مکه خارج شده است. در حالی که اگر هدف امام علیه السلام بیان حرمت تکلیفی خروج بود، باید راوی نیز همین مطلب را از کلام امام علیه السلام متوجه می‌شد و سؤال او چنین می‌بود که اگر فردی از روی جهالت بعد از انجام عمره از مکه خارج شود چه چیزی بر عهده اوست؟ به عبارت دیگر، راوی باید در وهله اول، از حکم و وظیفه مکلف پس از ارتکاب نهی و سپس از تأثیر آن بر عمره انجام شده سؤال می‌نمود و نیز بر امام علیه السلام لازم بود از لزوم استغفار یا کفاره مترتب بر خروج نیز سخن به میان می‌آورد؛ زیرا حضرت در مقام بیان حکم چنین فردی بوده‌اند و عدم تبیین حکم، مستلزم تأخیر بیان از وقت حاجت و اغراء به جهل است.

دو- به نظر می‌رسد امر امام علیه السلام به احرام حج هنگام خروج نیز از باب احتیاط و مراعات مکلف است تا در صورتی که نتواند در همان ماه خروج، به مکه

برگردد، نیازی به انجام عمره نداشته و حج از او فوت نشود و الا اگر خروج از مکه موضوعیت داشته و حرمت آن از این باب نباشد، در فرضی که مکلف بدون احرام حج از مکه خارج شده و در همان ماه بازمی‌گردد نیز مرتکب عمل حرامی شده که تذکر آن و احکام مترتب بر آن بر امام علیه السلام لازم است و این در حالی است که در کلام امام علیه السلام اثری از این مطلب یافت نمی‌شود.

گفتنی است چنانچه احتمال فوق پذیرفته نشود حداقل می‌تواند مانع از ظهور نهی در حرمت تکلیفی گردد و همین احتمال برای حکم به عدم قابلیت روایت جهت استفاده حکم حرمت خروج از مکه پس از انجام عمره تمتع، کافی است. سه - ملاک در لزوم تجدید عمره، بازگشت به مکه در غیر ماهی است که از مکه خارج شده است و کلمه «شهر» در فقره «غیر الشهر» به قرینه اضافه «غیر» به «شهر» در مجموع یک ماه قمری و نه سی روز ظهور دارد. چهار- از آنجا که مقصد خروج در کلام راوی و نه امام علیه السلام بیان شده، می‌توان گفت تأثیری در حکم احرام هنگام ورود به مکه ندارد. از این رو چنانچه مکلف از مکه خارج شود، خواه به مقدار کم یا زیاد از مکه دور شده و از آن فاصله بگیرد در هنگام بازگشت باید با احرام وارد شود.

ب) روایت صحیح معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام

حضرت فرمودند: «حج تمتع به جا بیاور پس به خدا سوگند تمتع از همه انواع حج بافضیلت‌تر است». سپس فرمودند: «اهل مکه می‌گویند عمره چنین شخصی عراقی و حجاجش مکی است، دروغ می‌گویند! آیا این چنین نیست که عمره‌اش مرتبط با حج است؛ به طوری که تمتع از مکه خارج نمی‌شود تا حج را انجام دهد.»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۳۰۱)

۱. وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ ابْنِ أَبِي عَمْرٍ وَ ابْنِ الْمُغْبِرَةِ كُلِّهِمْ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: «تَمَتَّعَ فَهُوَ وَ اللَّهُ أَفْضَلُ» ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ يَقُولُونَ إِنَّ عُمَرَتَهُ عِرَاقِيَّةٌ وَ حَجَّتَهُ مَكِّيَّةٌ كَذَبُوا أَوْ لَيْسَ هُوَ مُرْتَبِطًا بِالْحَجِّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى يَقْضِيَهُ.»

این روایت به خوبی بر محور بودن مسئله ارتباط عمره و حج تمتع دلالت دارد. در این روایت امام علیه السلام به تکذیب سخن کسانی پرداخته اند که عمره تمتع را عراقی و حجش را مکی دانسته اند. این تکذیب و تأکید بر ارتباط و اتصال عمره تمتع به حج، حاکی از این است که مقصود تکذیب شدگان از این کلام، جدا بودن عمره تمتع از حج آن و امکان فاصله انداختن در ادای هریک از این دو بوده است. بنابراین این تکذیب و تأکید در کلام امام علیه السلام و عبارت «أَوْلَيْسَ هُوَ مُرْتَبِطًا بِالْحَجِّ» می تواند مانع از حمل عبارت «لَا يُخْرَجُ حَتَّى يَقْضِيَهُ» بر حرمت خروج شود و ارشادی بودن نهی را به ذهن متبادر می سازد. بدین معنا که عمره و حج تمتع در صورتی صحیح انجام می گیرد که عمره تمتع به حجش متصل و مرتبط باشد.

ج) روایت مرسله صدوق از امام صادق علیه السلام

حضرت فرمودند: «زمانی که متمتع بخواهد از مکه به سوی برخی مکانها خارج شود، چنین حقی ندارد؛ زیرا عمره تمتع مرتبط با حج است تا اینکه حج را انجام دهد مگر اینکه بداند حج از او فوت نمی شود و اگر با این علم خارج شود و در همان ماهی که خارج شده بود بازگردد، می تواند بدون مُحْرَم شدن به مکه داخل شود و اگر در غیر آن ماه داخل مکه شود باید با احرام وارد شود.»^۱ (همان، ص ۳۰۴)

این روایت که از مراسیل شیخ صدوق رحمته الله است، به صراحت بر ارشادی بودن نهی از خروج دلالت دارد و بر فرض عدم پذیرش ارشادی بودن، حرمت خروج در فرض علم به عدم فوت حج مورد استثنا قرار گرفته است و این استثنا به خوبی دلالت دارد بر اینکه علت حرمت خروج، فوت شدن حج از مکلف

۱. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: «إِذَا أَرَادَ التَّمَتُّعُ الْخُرُوجَ مِنْ مَكَّةَ إِلَى بَعْضِ الْمَوَاضِعِ فَلَيْسَ لَهُ ذَلِكَ لِأَنَّهُ مُرْتَبِطٌ بِالْحَجِّ حَتَّى يَقْضِيَهُ إِلَّا أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يَفُوتُهُ الْحَجُّ وَإِنْ عَلِمَ وَخَرَجَ وَعَادَ فِي الشَّهْرِ الَّذِي خَرَجَ فِيهِ دَخَلَ مَكَّةَ مُجَلًّا وَإِنْ دَخَلَهَا فِي غَيْرِ ذَلِكَ الشَّهْرِ دَخَلَهَا مُحْرِمًا.»

است و اگر متمتع یقین داشته باشد که قبل از زمان حج تمتع می‌تواند به مکه بازگردد، خروج از مکه در حق او حرام نخواهد بود. البته پذیرفتن هر یک از دلالات فوق، مبتنی بر قبول و اعتبار مراسیل شیخ صدوق رحمته الله است.

د) روایت صحیح اسحاق بن عمار از امام کاظم علیه السلام

از حضرت در مورد متمتعی سؤال کردم که به مکه آمده و اعمال عمره‌اش را انجام داده است، اما حاجتی برایش پیش آمده و از مکه به سمت مدینه یا ذات عرق یا برخی از معادن رفته است، فرمودند: «اگر در غیر ماهی که عمره تمتع را انجام داده بازمی‌گردد، باید با احرام و انجام عمره داخل شود؛ زیرا برای هر ماهی عمره‌ای است و او برای انجام حج در گرو است.» گفتم: اگر در همان ماهی که از مکه خارج شده بازگردد؟ فرمودند: «پدرم در اینجا (مکه) مجاور بود، از مکه خارج شد و در این حال به برخی از این‌ها برخورد کرد، در بازگشت به ذات عرق رسید، از آنجا برای حج مُحرم شده و داخل مکه شد درحالی که برای انجام حج مُحرم شده بود.»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۴۲)

نکات ذیل از این روایت قابل استفاده است:

یک - در این روایت، خروج از مکه مورد نهی نیست، بلکه متمتع ملزم شده در فرض بازگشت به مکه در غیر ماهی که اعمال عمره تمتع خود را در آن انجام داده، با احرام بازگردد.

دو- در پاسخ امام علیه السلام به سؤال دوم راوی، اشاره و استناد امام علیه السلام به رفتار پدر بزرگوارشان در خروج از مکه بدون احرام صورت گرفته است. از آنجا که جواب امام علیه السلام باید مطابق با سؤال راوی یا حداقل در راستای سؤال وی باشد

۱. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَجْجِيٍّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْمُتَمَتِّعِ بِحِجِّيٍّ فَيَقْضِي مُتَمَتِّعَهُ ثُمَّ يَتَدَوُّ لَهُ الْحَاجَةُ فَيَخْرُجُ إِلَى الْمَدِينَةِ أَوْ إِلَى ذَاتِ عِرْقٍ أَوْ إِلَى بَعْضِ الْمَعَادِنِ؛ قَالَ: «بِرَجْعٍ إِلَى مَكَّةَ بِعُمْرَةٍ إِنْ كَانَ فِي غَيْرِ الشَّهْرِ الَّذِي يَتَمَتَّعُ فِيهِ لِأَنَّ لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةً وَهُوَ مُرْتَمِّنٌ بِالْحَجِّ» قُلْتُ: فَإِنْ دَخَلَ فِي الشَّهْرِ الَّذِي خَرَجَ فِيهِ؟ قَالَ: «كَانَ أَبِي مُجَاوِرًا هَاهُنَا فَخَرَجَ مُتَلَقِّيًا بِبَعْضِ هَؤُلَاءِ فَلَمَّا رَجَعَ بَلَغَ ذَاتَ عِرْقٍ أَخْرَمَ مِنْ ذَاتِ عِرْقٍ بِالْحَجِّ وَدَخَلَ وَهُوَ مُحْرَمٌ بِالْحَجِّ.»

و با توجه به اینکه ادامه سؤال راوی از لزوم و عدم لزوم تکرار عمره نسبت به متمتعی است که اعمال عمره را انجام داده و بدون احرام حج از مکه خارج شده و سپس در همان ماه خروج بازگشته است، باید فعل امام علیه السلام نیز خروج از مکه بدون احرام حج بعد از انجام عمره تمتع و ورود به مکه در همان ماه خروج باشد تا بتواند به عنوان پاسخ به سؤال راوی مورد استناد قرار گیرد. به عبارت دیگر امام علیه السلام با این گونه پاسخ به راوی فهمانده‌اند که اگر برخورد پدرشان با اهل سنت و مسئله تقیه نبود - چون بازگشت به مکه در همان ماه خروج صورت گرفته - نیاز به احرام نبود و احرام پدرشان برای حج در ذات عرق نیز از باب تقیه یا ضرورت خروج بوده است. به هر روی باید گفت خروج از مکه بدون احرام حج، مستند به فعل امام علیه السلام بوده و جایز است. بله! ممکن است گفته شود وظیفه مجاور، انجام حج افراد است و امام علیه السلام پس از خروج از مکه، هنگام بازگشت، برای انجام حج افراد از ذات عرق محرم شده‌اند، اما این مطلب چندان قابل پذیرش نیست؛ چون در این صورت، رفتار امام علیه السلام نمی‌تواند پاسخ به سؤال راوی باشد.

سه - فقره «لَا نَ لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ وَ هُوَ مُرْتَهِنٌ بِالْحَجِّ» که به عنوان تعلیل برای لزوم احرام هنگام ورود به مکه بیان شده، بر نکات زیر دلالت دارد:

اول: علت وجوب رجوع به مکه، عمره تمتعی است که مکلف انجام داده و ذمه‌اش برای اتمام آن به عنوان عمره تمتع، به انجام حج، مشغول شده است.
دوم: ورود به مکه در هر ماه باید با احرام باشد و این احرام در ابتدای ورود به مکه، برای ورود و خروج از این شهر در همان ماه انجام عمره، کافی است.
سوم: با توجه به روایت اول، عمره دومی که انجام می‌گیرد از آن جهت که به حج متصل می‌شود، عمره تمتع محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، ملاک در عمره تمتع بودن، اتصالش به حج است.

چهارم: علت وجوب انجام عمره دوم، ورود به مکه در غیر ماهی است که عمره تمتع انجام گرفته است نه بطلان عمره تمتع به دلیل خروج از مکه. از این

رو چنانچه مکلف بدون احرام وارد مکه شود، گرچه معصیت کرده، اما دلیلی بر بطلان عمره تمتعی که انجام داده وجود ندارد.

هـ) روایت صحیح حلبی از امام صادق علیه السلام

از حضرت در مورد تمتعی سؤال کردم که می خواهد بعد از اعمال عمره، از مکه به طائف برود. فرمودند: «از مکه به احرام حج مُحرم شود و دوست ندارم جز با احرام از مکه خارج شود و از طائف نگذرد همانا طائف به مکه نزدیک است.»^۱ (همان، ص ۴۴۳)

در این روایت نیز خروج از مکه مورد نهی قرار نگرفته است، مگر اینکه گفته شود عبارت «ما احب» در حرمت ظهور دارد، لکن برفرض پذیرش این ظهور در حرمت نیز نمی توان از روایت، حرمت خروج از مکه را برداشت نمود؛ زیرا اگر خروج از مکه موضوعیت داشته و حرام باشد، وجهی برای نهی از عبور از طائف و بیان نزدیک بودنش به مکه نیست؛ زیرا بر فرض حرمت خروج، دور یا نزدیک بودن نقطه بیرون از مکه نمی تواند در حرمت خروج از مکه اثرگذار باشد، در صورتی که اگر کراهت امام علیه السلام از این باب باشد که ممکن است با خروج مکلف از مکه وی نتواند برای انجام اعمال حج، خود را به مکه یا عرفات برساند، نهی از عبور از طائف قابل توجیه و به جاست و بیانگر این است که مکلف باید احتیاط نموده و تا حدی از مکه دور شود که بتواند به مکه بازگشته و به انجام اعمال حج بپردازد.

۳. نقد و بررسی و بیان قول مختار

با توجه به قرائن موجود در روایات مورد گفت و گو که بر ارشادی بودن نهی از خروج مکه دلالت داشت، معلوم شد قول به جواز خروج از مکه بعد از

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَتَمَتَّعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ بِرَيْدِ الْخُرُوجِ إِلَى الطَّائِفِ، قَالَ: «يَهْلُ بِالْحَجِّ مِنْ مَكَّةَ وَمَا أَحْبَبُّ لَهُ أَنْ يُخْرَجَ مِنْهَا إِلَّا مُحْرَمًا وَلَا يَتَجَاوَزُ الطَّائِفَ إِتْمًا قَرِيبَةً مِنْ مَكَّةَ.»

عمره تمتع به طور مطلق به صواب نزدیک تر است. البته در صورتی که این نظریه مورد پذیرش قرار نگیرد، حداقل می توان ادعا نمود در فرضی که مکلف اطمینان دارد با خروج از مکه و بازگشت به موقع، حج تمتع از او فوت نمی شود، یا بعلاوه اینکه از باب ضرورت و حاجت خارج شده باشد خروج از مکه حرام نیست؛ هر چند توقف داشتن جواز خروج از مکه بر ضرورت و حاجت، و قائل شدن به بطلان عمره تمتع در فرض خروج بدون حاجت، چندان صحیح به نظر نمی رسد؛ زیرا اگر فقیه، نهی از خروج از مکه را تعبیدی صرف بداند، این تعبد باید در مورد حاجت نیز ملتزم شود؛ زیرا در کلام امام علیه السلام، حاجت به طور مطلق مجوز خروج قرار نگرفته، بلکه در کلام امام علیه السلام که فرمودند: «إِنْ عَرَضَتْ لَكَ حَاجَةٌ إِلَى غُسْفَانَ أَوْ إِلَى الطَّائِفِ أَوْ إِلَى ذَاتِ عَرَقٍ خَرَجَ مُحْرِمًا»، حاجت در رفتن به مثل غُسفان یا طائف یا ذات عرق از مناطقی که به مکه نزدیک اند مجوز خروج قرار گرفته است.

علاوه بر این اگر حاجت و عدم حاجت در حرمت خروج دخالت داشت، باید راوی نیز همین مطلب را متوجه می شد و چنین سؤال می کرد که اگر بدون حاجت خارج شود وظیفه اش چیست؟ در حالی که آنچه راوی از کلام امام علیه السلام متوجه شده این است که نباید مسافتی بیش از حد غُسفان، طائف و ذات عرق، از مکه دور شود. از این رو در ادامه سؤال، از حکم دور شدن از مکه تا حدود مدینه و مانند آن می پرسد. بنابراین به نظر می رسد در فرض پذیرش حرمت خروج از مکه، صرف خروج باید در بطلان عمره تمتع انجام گرفته، مؤثر بوده و مانع از صحت آن باشد.

به هر روی به نظر می رسد با توجه به اینکه فقره «لِأَنَّ لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةً» علت برای فقره «يُرْجَعُ إِلَى مَكَّةَ بِعُمْرَةٍ إِنْ كَانَ فِي غَيْرِ الشَّهْرِ الَّذِي يَتَمَتَّعُ فِيهِ» قرار گرفته است، علت لزوم تجدید عمره، خروج از مکه و ورود مجدد به آن در غیر ماه خروج با قطع نظر از هر حکمی است که بر خروج مترتب گردد.

همچنین از مجموع روایات مورد گفت و گو چنین فهمیده می شود که اتصال

عمره تمتع به حج به این است که در ماه‌های حج یک سال بعد از عمره تمتع، حج انجام گیرد. از این رو اگر مکلف در بازگشت به مکه، با احرام وارد نشده و عمره مجددی انجام ندهد، مطابق با تصریح برخی از فقها، عمره‌ای که به نیت تمتع انجام گرفته، همان عمره تمتع مکلف محسوب می‌شود و باطل نیست؛ (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۶۱۷) زیرا دلیلی بر بطلان آن وجود ندارد و چنانچه مکلف با عمره مجدد وارد شود از آنجا که پس از آن عمره، حج تمتع صورت می‌گیرد، عمره دوم، عمره تمتع به حساب آمده و لازم است مکلف، نیت تمتع داشته باشد.

همچنین مستفاد از روایات این است که صرف خروج از مکه و ورود در ماه قمری دیگری غیر از ماه انجام عمره تمتع، مستلزم ورود با احرام است و عبور و عدم عبور از میقات در حکم مسئله، اثرگذار نیست و در هر دو حالت باید مکلف با احرام داخل شود؛ چه اینکه در هیچ روایتی ورود به مکه با احرام به عبور از میقات منوط نشده است. بنابراین چنانچه مکلف مسافت کمی از مکه دور شده باشد باید از ادنی الحل محرم شود.

ممکن است گفته شود از اینکه سائل به مدینه و ذات عرق و طائف مثال زده، فهمیده می‌شود که علت احرام در ورود به مکه، عبور از میقات است. خصوصاً اینکه حکمت و فصاحت در کلام اقتضا دارد پاسخ امام علیه السلام مطابق با پرسش راوی باشد.

در پاسخ می‌توان گفت اگر فاصله گرفتن از مکه تا حد مصادیق مورد سؤال در روایت، در حکم لزوم تجدید احرام تأثیرگذار بود بر امام علیه السلام لازم بود بیان نمایند و عدم بیان، دلیل بر عدم خصوصیت مسافتی است که مکلف از مکه دور شده است؛ علاوه بر اینکه عبارت «فَإِنْ عَرَضَتْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى عُسْفَانَ» یا «إِلَى بَعْضِ الْمَعَادِنِ» در برخی روایات به خوبی بر ملاک نبودن میقات در لزوم تجدید عمره دلالت دارد و لزوم مطابقت جواب با سؤال به این است که موضوع در سؤال و جواب یکی باشد؛ اما اگر قیدی در کلام راوی باشد که در حکم مسئله تأثیری

ندارد، پاسخ امام علیه السلام به طور مطلق که بر عدم دخالت قید مذکور در کلام سائل دلالت دارد عدم مطابقت محسوب نمی‌شود.

۴. اصل عملی در مسئله

با وجود روایات صحیح السندی که به صراحت یا ظهور بر حکم دو مسئله خروج از مکه و تجدید احرام در هنگام بازگشت به مکه دلالت دارند، نوبت به بحث از اصل عملی در این دو مسئله نمی‌رسد، اما با قطع نظر از دلالت روایات، به نظر می‌رسد چنانچه اطلاق حرمت خروج از مکه مورد تردید باشد، اصل احتیاط حاکم به اجتناب از خروج از مکه به طور مطلق است و چنانچه تأثیر حرمت خروج بر صحت عمره تمتع انجام شده مورد تردید قرار گیرد، استصحاب صحت بر صحت و عدم بطلان عمره تمتع انجام گرفته، دلالت دارد. همچنین اگر لزوم تجدید احرام در فرض عدم عبور از میقات و عدم خروج از منطقه حرم مورد تردید باشد، اصل برائت حاکم به عدم وجوب احرام و عمره مجدد جهت ورود به مکه است.

نتیجه

نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. با وجود اختلاف فقها در حکم مسئله خروج از مکه، پس از انجام عمره تمتع و قائل بودن بیشتر آنان به عدم جواز خروج به طور مطلق یا بدون حاجت و نیاز، به نظر می‌رسد قول به ارشادی بودن نهی از خروج از مکه به صواب نزدیک‌تر است؛ بدین معنا که مقصود شارع از این نهی، بیان شرطیت اتصال عمره تمتع به حج در صحت عمره و حج تمتع و تمتع محسوب شدن آن است.
۲. اتصال عمره تمتع به حج به معنای وقوع هر دو در ماه‌های حج یک‌سال و انجام حج بعد از عمره است؛ به گونه‌ای که عمره دیگری بین عمره انجام گرفته، به نیت تمتع و حج صورت نگیرد. بنابراین اگر مکلف بعد از انجام عمره تمتع از مکه خارج شده و در غیر ماه خروج بازگردد، برای ورود به مکه نیازمند احرام

جدید است و به نظر می‌رسد علت لزوم تجدید عمره، خروج از مکه و ورود مجدد به آن در غیر ماه خروج، با قطع نظر از هر حکمی است که بر خروج مترتب گردد. همچنین با توجه به قرائن موجود در روایاتِ موردِ گفت‌وگو به نظر می‌رسد ملاک در لزوم تجدید عمره، ورود به مکه در ماه قمری دیگری غیر از ماه انجام عمرهٔ تمتع است و منظور از «شهر»، سی روز نیست.

۳. از آنجا که بعد از عمرهٔ دوم، حج تمتع صورت می‌گیرد، عمره دوم واجب بوده و باید به نیت تمتع انجام شود. با این وجود اگر مکلف بدون احرام به مکه بازگردد و برای حج محرم شود، دلیلی بر بطلان عمرهٔ تمتع سابق وی وجود ندارد و اعمالش صحیح است؛ هرچند که به دلیل عدم ورود با احرام به شهر مقدس مکه، معصیت کرده است.

۴. استفاد از روایات این است که صرف خروج از مکه و ورود در ماه قمری دیگری غیر از ماه انجام عمره تمتع، مستلزم ورود با احرام است و عبور و عدم عبور از میقات در حکم مسئله تأثیرگذار نیست و در هر دو حالت باید مکلف با احرام داخل شود. البته چنانچه مسافت کمی از مکه دور شود باید از ادنی الحل محرم شود.

منابع

۱. آملی، محمد تقی، (۱۳۸۰ ق) مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی، تهران، نشر مؤلف، چاپ اول.
۲. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰ ق) السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۳. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۷ ق) المذهب البارع فی شرح مختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۴. ابن حمزه، محمد بن علی، (۱۴۰۸ ق) الوسيلة إلى نیل الفضيلة، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۵. اشتهااردی، علی پناه، (۱۴۱۷ ق) مدارک العروة، تهران، دار الاسوه، چاپ اول.
۶. انصاری، محمد بن شجاع، (۱۴۲۴ ق) معالم الدين فی فقه آل یاسین، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۷. بحرانی، یوسف بن احمد، (۱۴۰۵ ق) الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق) تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۹. حسینی شاهرودی، سید محمود، (۱۴۰۲ ق) کتاب الحج، قم، مؤسسه انصاریان، چاپ اول.
۱۰. سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۱۳ ق) مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
۱۱. شبیری زنجانی، موسی، (۱۴۲۱ ق) مناسک الحج، قم، مؤسسه الولاية للدراسات، چاپ اول.
۱۲. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۷ ق) الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۹ ق) فوائد القواعد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.

- انتشارات محلاتی، چاپ اول.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق) **الكافی**، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۲۳. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۱۸ ق) **المختصر النافع فی فقه الامامیه**، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیة، چاپ ششم.
۲۴. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، (۱۲۴۷ ق) **ذخیره المعاد فی شرح الارشاد**، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ اول.
۲۵. محقق کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ ق) **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ دوم.
۲۶. موسوی عاملی، محمد بن علی، (۱۴۱۱ ق) **مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام**، بیروت، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۷. مظاہری، منصور، (۱۳۹۷ ش) **مناسک حج مطابق با فتوای امام خمینی و مراجع تقلید**، قم، نشر مشعر، چاپ سیزدهم.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۶ ق) **مناسک الحج**، قم، انتشارات مدرسه امام
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ ق) **المبسوط فی فقه الامامیه**، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم.
۱۵. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ ق) **تحریر الاحکام**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۱۶. _____ (۱۴۱۴ ق) **تذکره الفقهاء**، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ اول.
۱۷. _____ (۱۴۱۲ ق) **منتهی المطلب**، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، چاپ اول.
۱۸. _____ (۱۴۱۳ ق) **قواعد الاحکام**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۹. فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله، (۱۴۰۴ ق) **التنقیح الرائع لمختصر الشرائع**، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
۲۰. فخرالمحققین، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ ق) **ایضاح الفوائد**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.
۲۱. فیاض کابلی، محمد اسحاق، (بی تا) **تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی**، قم،

علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ دوم.

۲۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی،

(۱۴۱۵ق) مستند الشیعة فی احکام

الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام،

چاپ اول.

۳۰. یزدی، سید محمد کاظم بن

عبدالعظیم، (۱۴۰۹ق) العروة الوثقی،

بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات،

چاپ دوم.

۳۱. _____ (۱۴۱۹ق) العروة الوثقی

(محشی)، قم دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه

قم، چاپ اول